

با نگاه به نظریه های بقای قومی

چالشهای قومی و واپس ماندگی ملتها*

ترجمه: دیوید اسمیت

برگردان: مصطفی مهرآیین

دارند.

مقدمه

بنابراین، درک بهتر ریشه های کشمکش های قومی و جنبش های ملی گرایانه ای که صلح جهانی را تهدید می کنند، ضروری به نظر می رسد. ما می توانیم این درگیری ها را از جمله علائم مدرنیسم، سکولاریسم، جهانی شدن سرمایه داری و یا دموکراتیزه کردن جامعه تلقی کنیم. در این رویکردها، به جنبش های قومی و ناسیونالیسم نیز همانند سنت گرایی، فمینیسم و جنبش های سبز، به عنوان واکنش های

در دو دهه اخیر، جهان ابتدا شاهد نوعی افزایش ناگهانی احساسات و گرایشهای قومی در غرب و بعد از آن، اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی سابق بوده است. چندین کشور آفریقایی (چاد، سودان، اتیوپی، آنگولا و آفریقای جنوبی) در آتش درگیری های قومی گرفتار آمده اند. در سال های اخیر، منازعات قومی در خاورمیانه و آسیا نیز افزایش یافته است: دروزی ها، کردها، آذری ها، ارمنی ها، سیک ها، تامیل ها، تبتی ها، ایغورها و موروها خواهان خودمختاری - و نه استقلال کامل و مطلق - می باشند. در همین حال، درگیری های بزرگ تر میان هند و چین، هند و پاکستان، و اعراب و اسرائیل نیز همچنان ادامه

* . نوشتار حاضر ترجمه فصل چهارم کتاب اسطوره ها و خاطرات ملت به قلم آنتونی دی. اسمیت است که به وسیله انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۱۹۹۹ به چاپ رسیده است. گفتنی است که این متن در اصل، سخنرانی ایراد شده توسط آقای اسمیت در مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن در ۲۵ آوریل ۱۹۹۱ می باشد.

توده‌ای (پوپولیستی) و غیر عقلانی در مقابل خاورمیانه گرفته شده‌اند.

پیشرفت‌های دائمی تکنولوژی و ارتباطات، دگرگونی‌های عظیم در جمعیت و قدرت اقتصادی و بوروکراتیزه کردن فراگیر زندگی اجتماعی در جهان مدرن نگریده می‌شود و این گونه تلقی می‌گردد که گویی این موارد، تغییرات و موانعی را در حرکت بزرگ تاریخ به وجود آورده‌اند.^(۱)

مطالعه بقای قومیتها

اصطلاحات «قوم» و «قومیت» مباحث وسیع و دامنه‌داری را پدید آورده‌اند و به شیوه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شوند. در مطالعه بقای قومی، برای دستیابی به آن چه که من در پی آن هستم، باید دو سطح از قومیت و هویت قومی را - اعم از فردی و جمعی - متمایز کرد. برای تحقیق درباره بقا و استمرار طولانی مدت حیات قومی، احساسات و نگرش‌های فردی مهم هستند، اما در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. در اینجا تمرکز بیشتر بر روی ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی اجتماعات قومی، یعنی واحدهای فرهنگی جمعی است که مدعی نیای مشترک و نیز خاطرات و نمادهای مشترک هستند. این نکته که اجتماعات مذکور به وجود آورنده اکثریت‌ها یا اقلیت‌ها در یک کشور مشخص باشند، در اینجا چندان مورد بحث قرار نخواهد گرفت.

ما همچنین توجه خود را به میزان تضعیف قومی^۱ در سطح فردی، یا فرآیندهای همانندسازی^۲ و یا مقاومت قومی در جوامع مهاجرپذیر مدرن محدود نخواهیم کرد. ما برای این که بقا و تغییر را در اجتماعات قومی جوامع - اعم از ماقبل مدرن و یا مدرن - در نظر بگیریم، نیازمند آن چیزی هستیم که مکتب آنال آن را «طولانی مدت»^۳ نامید. به هر حال، شیوه

این دیدگاهها، به رغم محبوبیت‌شان می‌توانند عمیقاً گمراه‌کننده و حتی خطرناک باشند. بسیاری از جنبش‌هایی که ذکر شد، اغلب حمایت فرایندهای طبقات تحصیلکرده در جوامع دموکراتیک را جلب می‌کنند. تمامی آنها به آرمان‌ها و نیازهای عمیق و ریشه‌دار در جوامع مدرن پاسخ می‌دهند. مهم‌ترین که جنبش‌های قومی قدرت خود را با بهره‌گیری از شکاف‌های بنیادی قومی، جنسی، مذهبی و منطقه‌ای کسب می‌کنند و اقتصادهای مدرن و فرایندهای سیاسی نیز غالباً آنها را تقویت می‌کنند.

در اینجا برخی از شرایط زیربنایی منازعات قومی - که به باور من می‌توانند در الگوهای متفاوت بقای قومی درازمدت در سراسر جهان مورد مطالعه قرار گیرند - تأکید می‌شود. مطالعه بقای قومی، موضوعی است که طی سال‌های طولانی می‌تواند کار و تلاش بسیاری از محققان را، چه به صورت فردی و یا جمعی، موجب شود.^(۲) در اینجا به برخی از مسائل کلیدی این حیطه وسیع اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که مثال‌های آورده شده، عمدتاً از اروپا و

1. Ethnic Attrition 2. Assimilation
3. Longue Degree

پیشنهادی من در مطالعه پدیده بقای قومی چنین است. چنین مطالعه‌ای نیازمند یک تعریف مقدماتی کارآ از موضوع مورد تبیین است. برخلاف توجه مجدد در سال‌های اخیر به برگزیدگی خویشاوندی و وراثت ژنتیکی به عنوان تبیین‌هایی برای همبستگی قومی، اصطلاح «قوم» معمولاً بیشتر به ویژگی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود تا به ویژگی‌های زیست‌شناختی. هنگامی که افراد به اجتماعات قومی تعلق دارند و با آنها احساس همبستگی می‌کنند، در واقع خود را از طریق واحدهای فرهنگی وسیع‌تر از خانواده هویت می‌بخشند. با این حال، استعاره خانواده هنوز اهمیت خود را داراست. در واقع، هنگامی که افراد خود را از طریق قومیت‌ها و احساس تعلق به آنها هویت می‌بخشند، آنها گونه‌ای احساس خویشاوندی با یک «ابر خانواده»^۴ افسانه‌ای دارند، خانواده‌ای که به لحاظ فضایی به بیرون از خود گسترش یافته و به لحاظ زمانی در طی نسل‌ها گسترش می‌یابد. اقوام همچنین دارای آداب و رسوم عام، نمادهای مشترک و اسطوره‌های نیای مشترک برگرفته از یک نیای فرضی هستند. این آداب و رسوم، نمادها، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی، تداعی‌کننده تجارب گذشته مشترک - هرچند به صورت گزینشی یادآوری شوند - و مشخصه‌های هویت‌های فرهنگی مشترک در بیشتر جوامع می‌باشند و قوم را از دیگر انواع گروه‌های انسانی متمایز می‌کنند. تعلق به یک اجتماع قومی، به اعضای آن احساس سهیم بودن در یک جامعه

بسیار گسترده را که مدعی تبار برگرفته از جد و نیای واحد - که معمولاً حماسی و شکوهمند است - می‌بخشد.^(۳)

به هر حال، یک قوم نه تنها به وسیله خاطرات تاریخی، آداب و رسوم و اسطوره‌های نیایی، بلکه همچنین با دارا بودن یا نبودن یک سرزمین تاریخی یا «وطن» شناخته می‌شود. اجتماع در طی نسل‌ها با فضای تاریخی خاص هویت می‌یابد و سرزمین تاریخی نیز با اجتماع فرهنگی خاص شناخته می‌شود. وطن لزوماً نباید مهد اجتماع باشد، بلکه باید به دلیل ویژگی و نقش خلاق آن در برخی دوره‌های نسبتاً طولانی حیات اجتماعی قومی، فراهم آورنده زمین - خاک باشد. یهودیان ریشه‌های تاریخی خود را در سرزمین اور و هاران در بین‌النهرین ردیابی نمودند، اما این ریشه‌ها را در سرزمین کنعان یافتند. ترک‌ها رد اجداد و نیاکان خود را تا آوغورخان در استپ‌های آسیای مرکزی دنبال کردند، اما فرهنگ آنان بعد از پیروزی سلجوقی‌ها از قرن یازده میلادی، در آناتولی و شمال غربی ایران نشو و نما یافت.

ما اکنون می‌توانیم یک اجتماع قومی یا قوم را به عنوان یک گروه انسانی دارای وطن و اسطوره‌های مشترک از نیای مشترک، خاطرات تاریخی و فرهنگ متمایز تعریف کنیم. به علاوه، یک اجتماع قومی و نیز زیر مجموعه‌های آن، احساسات نمایانگر همبستگی قومی را به طور طبیعی - حتی اگر فقط طبقات شهری در آن

فرهنگ قومی سهیم باشند- ابراز می کنند.^(۴) بقای قومی، همچنین مستلزم تداوم هر یک از ویژگی های اجتماعات قومی از قبیل یک نام جمعی، یک وطن، اسطوره هایی از نیای مشترک و امثال آن، طی نسل های مختلف می باشد. پذیرش این تعریف بدان معناست که ما نمی توانیم اجتماعاتی مانند یونان، چین و ژاپن را به صرف این که ممکن است نام و سرزمین خود را طی دو هزاره حفظ کرده اند، به عنوان اقوام زنده بشناسیم. آنها همچنین باید خاطرات، نمادها، سنت ها، فرهنگ و در واقع هر چیزی که آنها را متمایز می سازد حفظ کرده باشند. با توجه به تغییرات عظیمی که بیشتر جوامع به آن تن داده اند و همچنین دوره های زمانی طولانی وقوع تغییرات مذکور، اگر بخواهیم با توجه به این تعریف وبدون در نظر گرفتن مشکلات ناشی از آن به بررسی مسئله بقای قومی بپردازیم، بیشتر اقوام را از شمول مسئله بقای قومی خارج خواهیم کرد. زیرا این معیار فراهم آوردن شواهد کافی را برای بقای قومی در دوره هایی که اسناد اندک و ناکافی هستند، ناممکن می سازد.

بنا به این دلایل، من برای تشخیص بقای قومی معیاری ساده تر را به کار خواهم گرفت. چنانچه نسل های متوالی به همانندسازی خود با خاطرات، نمادها، اسطوره ها و سنت های مستمر ادامه دهند، به طور عقلانی می توان گفت که اجتماعات قومی به صورت های اولیه خود باقی مانده اند. به عبارت دیگر، بقای قومی نیازمند صحیح و سالم نگه داشتن یک فرهنگ نیست.

بقای قومی نه آن گونه که مثال های ارمنی ها و یهودیان نشان می دهد نیازمند حفظ یک سرزمین است و نه حتی آن چنان که ترویج بودیسم در ژاپن و یا اسلامی کردن ایران به نمایش می گذارد، نیازمند حفظ مذهب پیشین است. مشروط بر این که آیین جدید نیز نمادها، خاطرات و اسطوره های کهن و یا حداقل برخی از آنها را حفظ کند و این دقیقاً همان چیزی است که در ایران طی رنسانس جدید ادب فارسی در قرون ده و یازده بعد از میلاد اتفاق افتاد.

درست است که مشکل مفهوم سازی «بقای قومی» پیچیده است، اما تبیین چگونگی و چرایی بقای برخی اقوام و از میان رفتن و مستحیل شدن اقوام دیگر، از این هم پیچیده تر است. به طور کلی، ما باید قادر باشیم که با فرض دارا بودن معیارهای روشن و واضح برای بقای قومی، درباره شرایط و میزان بقا یا اضمحلال اقوام، چندین نوع تجزیه و تحلیل چند متغیری انجام دهیم. اگر چه تعداد عوامل درگیر در بقای قومی بسیار زیاد است، اما عملاً شواهد تاریخی بسیار کمتر از آن است که چنین پروژه ای را بتوان عملی نمود. در حالی که بقای قومی به مجموعه ای از شرایط جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بستگی دارد، موارد کاملاً مستند از بقای قومی طولانی مدت اندک می باشند. این نکته بدان معناست که ما پس از صرف هزینه زمانی و تلاش بسیار تنها می توانیم به برخی نتایج محدود و غیر قطعی دست یابیم. شاید بتوانیم تعداد اندکی از شرایط بسیار کلی و بقا و استمرار

حیات قومی، از قبیل یک جنگ و مبارزه سازمان یافته را بیابیم، اما برای یافتن چنین اطلاعاتی به روش‌های آماری نیاز نداریم.

مطالعات مفصل و مشروحي مانند مطالعه برودل^۵ در باب برخی شرایط هویت فرانسوی، تجزیه و تحلیل ریچارد فرای از ایران کهن و سده‌های میانه، و تاریخ مذهبی - اجتماعی یهودیان سالو بارون، به طور واضح و روشنی ما را از بسیاری از شرایط خاص تأمین کننده یا از بین برنده هویت قومی آگاه می‌سازد. این مطالعات همچنین عناصر متنوع سازنده هویت قومی فرانسوی، ایرانی، یهودی و یا هر جای دیگر را در طولانی مدت نشان می‌دهد.^(۵)

اما تعداد کمی از این مطالعات موردی، مستقیماً به مسائل بقای قومی می‌پردازند. مسائل مربوط به بقای قومی را باید بتوان از نقل حوادث و رخدادها یا مباحث مربوط به مسائل کاملاً متفاوت استنباط نمود. تجزیه و تحلیل یک مورد خاص - هر چند روشنگر - به فرد اجازه نمی‌دهد تا عوامل خاص درگیر در هویت قومی را کنترل کرده و یا عناصر سرنوشت ساز مربوط به بقای قومی را از شرایط اطراف جدا کند. بر مبنای برخی از فرضیه‌ها، فقط مقایسه الگوهای متفاوت بقای قومی است که ما را به درک برخی شرایط ضروری تسهیل کننده بقای قومی طولانی مدت قادر می‌سازد.

تحلیل تطبیقی درباره بقای قومی می‌تواند از آنها آغاز شود، دارای اهمیت است. برخی از این عوامل عمده و برجسته، ماهیتی سیاسی دارند که از آن جمله می‌توان به میزان خود مختاری (استقلال) یک اجتماع، تمایل و اراده سیاسی آنها برای بقا و ویژگی‌های رهبر آن اشاره کرد. برخی اوقات، تحلیل‌ها بر متغیرهای اقتصادی و بوم شناختی مانند دارا بودن یک وطن مشخص، موقعیت، گستردگی، جمعیت و وجود منابع گوناگون مادی، امکانات و مهارت‌های حمایت از اجتماع تأکید دارند.

با وجود این، مجموعه دیگری از فرضیه‌ها به اقوام به عنوان شبکه‌های ارتباطی می‌نگرند و در پی دستیابی به این نکته هستند که چگونه آداب و رسوم، زبان و دیگر آئین‌های نمادی، اعضای اجتماعات را در گذر نسل‌ها به یکدیگر پیوند می‌دهند.

هر کدام از این رویکردها و فرضیه‌های حاصل از آنها می‌توانند در مطالعه بقای قومی سهم ارزشمندی داشته و شایسته مطالعات تطبیقی عمیق‌تری باشند. یادآوری این نکته نیز دارای ارزش و اهمیت است که اگر چه بقا و استمرار حیات یک زبان مشترک - همان گونه که تفاوت‌های زبانی موجود در سوئیس نشان می‌دهد - امر نادری است، اما اجتماعات قومی می‌توانند بدون این عوامل نیز بقا و استمرار حیات طولانی مدت داشته و باقی بمانند. در چنین مواردی به نظری رسد که سایر عوامل اجتماعی

اسطوره‌های برگزیدگی قومی

یادآوری عوامل گوناگون و فرضیه‌هایی که یک

روان‌شناختی، این فقدان را جبران می‌کنند. این امر نشان می‌دهد که ما باید به عناصر ذهنی بقای قومی از قبیل خاطرات قومی، ارزش‌ها، نمادها، اسطوره‌ها و سنت‌ها توجه بیشتری کنیم. دلیل ما این است که بقای قومی طولانی مدت در درجه نخست به پرورش فعال^۶ نخبگان و دیگر افراد دارای حس بسیار بالای تمایز جمعی بستگی دارد. اعضای یک اجتماع قومی باید احساس کنند که نه تنها یک

آبرخانواده را شکل می‌دهند، بلکه اجتماع تاریخی آنها منحصر به فرد است. احساس این که آنها دارای آن چیزی هستند که ماکس وبر آن را «ارزش‌های فرهنگی منحصر به فرد» نامید، احساس این که میراث آنها باید در مقابل فساد درونی و کنترل بیرونی حفظ شود و این احساس که اجتماع دارای این وظیفه مقدس است که ارزش‌های فرهنگی خود را به بیرون از خود گسترش دهد؛ به عنوان نمونه، ایرانی‌ها، ارمنی‌ها، لهستانی‌ها، روس‌ها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها، ژاپنی‌ها، آمریکایی‌ها، ایرلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسویان، همگی از طریق اسطوره‌های مربوط به ریشه‌های دور و نمادها و خاطرات دوران طلایی شکوه پیشین، احساس منحصر به فرد بودن و رسالت داشتن را در خود پرورش داده‌اند.^(۶)

اسطوره‌های نیای مشترک و خاطرات یک دوران طلایی ممکن است وحدت بخش و الهام‌دهنده اعضای یک اجتماع قومی در طی چندین نسل باشد. با این حال آن چه که برای

6. Active Cultivation

7. Myth of ethnic selection

دولت- شهر، به هنگام پرستش Enlil، خدای بزرگ سومر در معبدش در نیپور که به عنوان کانون مذهبی دولت- شهرهای سومر شناخته می شد، سومریان را متحد و یکپارچه می نمودند. طی دوران احیای سومریان در زمان سومین سلسه اور در سومین هزاره قبل از میلاد، احساس گسترده تری از قومیت مشترک شکل گرفت که خود را به شکل آرزو و حسرت دوران طلایی پیشین سومریان نشان می داد. با این حال حس برگزیدگی قومی، کم رنگ و غیرمستقیم بود. حس برگزیدگی به پادشاه به عنوان نماینده Enlil در زمین واگذار شده بود و به پادشاهی و سلطنت به عنوان واسطه هرگونه قرارداد و تعهدی میان خدایان و اجتماع نگریسته می شد.

قوم مداری در مصر باستان برجسته تر بود. سرزمین پتخ متراکم تر، یکپارچه تر و همگون تر از سرزمین های سومر و الک بود به ویژه در تبلیغات سیاسی سلطنت جدید فرعون هایی چون توت موسیس سوم^۸، حت شپسوت^۹ و حورم حب^{۱۰}، تأکید بیشتری بر برگزیدگی الهی «خدا- شاه»^{۱۱} وجود داشت.^(۸) به همین نسبت تأکید کمتری بر برگزیدگی اجتماع بود، خواه آن اجتماع دارای شرایط اخلاقی باشد یا نباشد. در همین زمان و بعد از این که فرعون های ثاب^{۱۲}، سلطنت آسیاستیک هیکوس^{۱۳} را در قرن شانزده قبل از میلاد بنیان گذاشتند، احساس

8. Tuthmosis II

10. Horemha

12. Theba

9. Hatshepsut

11. God - king

13. Asiatic Hyksos

«سفر خروج» یافت می شود:

«بنابراین اگر شما به راستی از ندای من اطاعت کنید و به تعهدی که با من دارید پایبند باشید، آن موقع شما از میان تمامی مردمان، مشمول موهبت و نعمت خاص من خواهید بود. تمامی زمین از آن من است و شما برای من سلطنت و پادشاه روحانیون و یک ملت مقدس خواهید بود.» (سفر خروج ۱۹: ۶-۵ بنگرید به کتاب پنجم عهد عتیق ۷: ۱۳ و ۱۰: ۲۲-۱۲)

تعهد و عهد در اینجا به آداب و رسوم اخلاقی، قانون و شعائر اشاره دارد که به تفصیل در کتاب پنجم عهد عتیق آمده است و بنی اسرائیل در صورتی که می خواهند برگزیده باقی بمانند و توسط خداوند رهایی یابند، باید آنها را رعایت کنند. تنها با انجام این قوانین و شعائر است که اجتماع و اعضای آن می توانند نجات یابند.^(۷)

اسطوره های برگزیدگی در خاورمیانه و اروپا

حتی در دوران باستان نیز یهودیان تنها ملتی نبودند که به «برگزیده» بودن خود اعتقاد داشتند. آغاز چنین عقایدی را می توان در یک هزاره پیش تر، در مصر باستان و بین النهرین ردیابی نمود. در سرزمین های سومر و آکد (اکنون در عراق جنوبی) دولت - شهرهای پراکنده برای استقلال خود ارزش قائل بودند و به ویژه به هنگام بحران ها، به خویشاوندی قومی خویش اذعان داشتند. شاهان یک دولت- شهر یا چند

برتری فرهنگی خاص مصریان نسبت به بیگانگان - کسانی که بیرون از مصر زندگی می‌کنند - افزایش یافت. به هر حال یک بار دیگر، حس برگزیدگی مبتنی بر سلطنت و حکومت ایجاد شد و از میان رفت، اگر چه این احساس تا دوره‌های هلنیستی و رومی ادامه یافت.^(۹) نمی‌توانیم مطمئن باشیم، اما به نظر می‌رسد که اعتقاد به برگزیدگی جماعتی در جهان باستان از بنی اسرائیل ریشه گرفته است، اگر چه شکل آن روابط متأثر از مدل‌های خاور نزدیک به ویژه مدل‌های تات^{۱۴} بود.

اعتقاد اصلی بنی اسرائیل این بود که خداوند یکتا، مالک جهان، بار امانت خود را بر همه مخلوقاتش عرضه کرد و مردم خاصی را برگزید تا سعادت را برای انسانیت به ارمغان آورند. به هر حال لطف و عنایت خداوند مشروط به انجام رسوم اخلاقی و شعائر مشروح توسط مردمان برگزیده است: «من فقط شما را از میان تمامی اقوام روی زمین برگزیده‌ام؛ بنابراین شما را به خاطر شرارت‌ها و ظلم‌هایتان مجازات خواهم کرد». حکم پیامبرانه ایماس^{۱۵} صریح و خالی از ابهام است.^(۱۰) پیامبران بعدی بنا به موقعیت اجتماعی و ژئوپلیتیک سرزمین بنی اسرائیل که میان مصر و آشور محصور می‌باشد، به بسط و گسترش ابعاد اخلاقی برگزیدگی الهی پرداختند. وعده خداوند به ابراهیم مبنی بر این که «تمامی اقوام روی زمین به وسیله تو سعادت‌مند و خوشبخت خواهند شد»، از جانب اشعیای دوم^{۱۶}، به این عقیده تعبیر شد که بنی اسرائیل، این خادمان

رنج دیده، به منظور آوردن رستگاری برای تمامی بشریت تنبیه شده است. خداوند به منظور آزاد کردن بنی اسرائیل تطهیر شده و همچنین تطهیر جهان از این رهگذر، از دشمنان بنی اسرائیل - آشوریان و بابلیان - استفاده می‌کند، حال آن که سفر خروج از مصر وعده‌ای که میان بنی اسرائیل و خداوند در سرزمین سینا بسته شد، بخشی از طرح نجات بخش و رهایی بخش خداوند برای بشریت است.^(۱۱)

چنین تصور و دریافتی، مسئولیت سنگینی را بر مردمان برگزیده تحمیل می‌کرد، آنها همواره ملزم به انجام استانداردهای دقیق اخلاقی بودند. تخلفات، شایسته و مشمول مجازات شدید بود. این امر فراهم آورنده فرصت و مجالی وسیع برای پیامبران، قضات، خردمندان و دیگر مجاهدان اخلاقی بود تا خویشاوندان خود را آگاه سازند و بدین وسیله متناوباً به اعلام و تأکید بر ویژگی‌های متمایز و سرنوشت ویژه اجتماع بپردازند. بعدها این رابطه نزدیک با خداوند و اثرات اخلاقی اجتناب‌ناپذیر آن بر روی اجتماع، محرک اصلی اجتماعی و روانشناختی بقای یهودیان در دوران طولانی آوارگی و پراکندگی

۱۴. Hittite مردمانی قدیمی که در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد در سرزمین ترکیه و سوریه زندگی می‌کردند. از اقوام باستانی هند و اروپایی بودند که در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد در آناتولی ظاهر شدند و تا حدود ۱۳۴۰ پیش از میلاد به صورت یکی از قدرت‌های مسلط بر خاور نزدیک درآمدند.

15. Amos

۱۶. Isaiah در عهد عتیق پیامبری عبری است که در قرن هشتم قبل از میلاد می‌زیست و گفته می‌شد که ناجی و حاکمی است که برای بنی اسرائیل خواهد آمد. بعدها به عنوان مسیح تفسیر شد.

آنان شد.^(۱۲) اعتقاد به برگزیدگی قومی دودمانی و جماعتی می‌تواند در بین چندین قوم دیگر خاور نزدیک باستان یافت شود. در اینجا تنها می‌توان به تعداد اندکی از آنها اشاره کرد. در میان ایرانیان، اعتقاد به برگزیدگی قومی در طی تاریخ طولانی شان به اشکال متفاوتی ظاهر شده است. شاهان بزرگ هخامنشی - کوروش و داریوش کبیر - عقیده برگزیدگی الهی سلطنت را از پادشاهان پیشین به ارث بردند و شرافت‌های خاص مادها و ایرانیان یعنی حقیقت، نظم و عدالت را برای خودنگه داشتند. کوروش ثبت می‌کند که چگونه در پی برابری و مساوات برای مردم بابل بود که خدای آنها، مردوخ، او را پیروز نمود. در حالی که سنگ نوشته داریوش در بیستون بر زندگی خردمندانه مبتنی بر دستور خدای بزرگ ایرانی - هورامزدا - و بر رسالت خاص پادشاه ایران نسبت به بسیاری از سرزمین‌های تحت فرمانش تأکید می‌نهد.^(۱۳)

چندی بعد چنین درونمایه‌هایی توسط حاکمان ساسانی ایرانی پذیرفته شد. مذهب زرتشت مورد ترویج و حمایت قرار گرفت و خسرو اول (انوشیروان) به احیای نمادها، اسطوره‌ها و شعائر ایرانی پرداخت. در این دوره همچنین می‌توانیم، ریشه‌های خدای نامه (شاهنامه) را دنبال کنیم. در این کتاب، قهرمانی‌ها و دلاوری‌های خانواده‌های اشراف بزرگ ایرانی - جنگجویان برگزیده مدافع ایران در مقابل سرزمین توران - ثبت شده است. اگرچه

سرانجام مذهب دولتی زرتشتی نتوانست ایرانیان را به صورت یک اجتماع اخلاقی شکل بخشد، اما به القای هویت و سرنوشت واحد در میان ایرانیان کمک کرد و پایه‌های نوزایی فرهنگی نوین ایرانیان را بنیان نهاد.^(۱۴)

مدت‌ها بعد، در زمان سلسله صفویان در قرون شانزده، پذیرش باورها و اعتقادات اسلامی شیعی، بُعد اخلاقی تازه‌ای به هویت ایرانی بخشید. قرن اخیر شاهد احیای پرشور و عمیق اجتماع ملی - مذهبی شیعی و رسالت مذهبی آن در مقابل تلاش‌های ناموفق شاهان پهلوی به منظور احیای سنت‌های امپراتوری آریایی باستان بود.^(۱۵)

به غرب برگردیم. بعد از تغییر مذهب پادشاهی کوهستانی ارمنستان توسط گریگوری مقدس در سال ۳۰۱ بعد از میلاد، گونه‌ای اسطوره برگزیدگی در میان آنها به وجود آمد. رومن‌ها و بیزانسی‌ها برای کنترل ارمنستان به مدت چندین قرن با سلسله ساسانی مبارزه کردند، که سرانجام بعد از جنگ مصیبت بار آوارایر در سال ۴۵۱ بعد از میلاد، به رغم استقلال کوتاه مدتی که در قرن نهم و تحت لوای بگرایت‌ها به دست آمد، این سرزمین شانس استقلال خود را از دست داد. از این لحاظ سرزمین ارمنستان به پادشاهی‌های جودی شباهت دارد که حاکمان و اشراف ارمنستان ادعای تبار و نسب از آنها را داشتند. هردوی این اقوام در چهار راه استراتژیک امپراتوری‌های متخاصم قرار داشتند. ناملایمات سیاسی ملت هر دو پادشاهی

را برانگیخت تا یک اجتماع اخلاقی تشکیل داده و سرنوشت خود را دوباره بر حسب ویژگی‌ها و خصصت‌های روحانی و معنوی تعبیر نمایند. شکاف فزاینده اعتقادی با سنت بیزانسی، به ویژه پس از شورای دوین^{۱۷} در سال ۵۵۴ بعد از میلاد، و غرور ارمنی‌ها بر این که آنها نخستین ملت مسیحی می‌باشند، اعتقاد آنها به برگزیدگی قومی و رسالت الهی را محکم نمود؛ اعتقادی که روحانیون مسیحی آن را در طی دوران پراکندگی و آوارگی قومی ارمنی‌ها پرورش دادند.^(۱۶)

حوزه مسیحی دیگر که مشروعیتش به اسطوره برگزیدگی دودمانی بستگی داشت، پادشاهی اتیوپیایی آکسوم^{۱۸} و جانشینانش بود. احتمالاً شاهان آکسومی مسیحیت تک‌ماهیتی^{۱۹}

خود در قرن چهارم را از منابع قبطی اقتباس کرده بودند، اما آیین مذهبی آنها بسیاری از مشخصه‌های یهودیت را نیز در برداشت که احتمالاً از پادشاهان عرب جنوبی اخذ کرده بودند. شاهان متوالی اتیوپیایی در فلات حبشه، مشروعیت خود را از نمادگرایی شیر یهودا و ادعای نسب سلطنتی از سلیمان و ملکه صبا به دست آوردند. از قرن سیزدهم و در سلسه موسوم به «سلیمانی»، اشراف زادگان مسیحی حاکم امهرا^{۲۰} شروع به مشارکت و سهیم شدن در این اسطوره برگزیدگی سلطنتی نمودند که گونه‌ای احیای فرهنگی را القا نموده و اجتماع را برای مقاومت در برابر مسلمانان مهاجم و فالاشاها بسیج نمود.^(۱۷)

نیازی نیست که اسطوره‌های قدرتمند

برگزیدگی را که به طور دوره‌ای و عمدتاً در فتوحات اسلامی و در دوره جنگ‌های صلیبی در بین اعراب و شاهانشان ظاهر شده‌اند، شرح و بسط دهیم. این حقیقت که اسلام نیز مانند مسیحیت یک دین جهانی است، مانع از ظهور اسطوره‌های قومی تنگ نظرانه (قوم مدار) نشده است. در برخی جهات، حمایت به عمل آمده از سوی اسلام، یک روح مبارزه طلبی را تشویق می‌کند. این حمایت، به ویژه در میان اعراب، گونه‌ای غرور نسبت به زبان، فرهنگ و دستاوردها و یک حس برگزیدگی و سرنوشت جمعی را به وجود آورده است که تا به امروز نیز اثرات قدرتمند خود را بر سیاست‌های خاورمیانه اعمال می‌کند.^(۱۸)

اسطوره‌های برگزیدگی همچنین به بقای اجتماعات قومی در اروپا کمک نمود، رویارویی یونان باستان با امپراتوری ایران، گونه‌ای قوم مداری فزاینده، یک احساس برتری اخلاقی و فرهنگی نسبت به بربرهای اطراف و حتی گونه‌ای ایدئولوژی پان‌هلنی را ایجاد نمود- اگرچه برخلاف اسطوره‌های بنیادین رومن‌ها، هرگز در متحد نمودن دولت - شهرهای یونان به شکل یک اجتماع اخلاقی یا سیاسی، موفق نبود. فقط پس از پذیرش مسیحیت ارتدکس در شرق رومی بود که هلنیسم به تدریج یک بُعد

17. The Council of Dvin

18. Aksum

۱۹. Monophysite کسی که اعتقاد دارد مسیح دارای یک ذات است. معمولاً مسیحیان معتقدند که عیسی دارای جنبه الوهیت و جنبه بشریت است. م.

20. Amhara

اخلاقی یافت. ایده‌ال مسیحیت بیزانسی اساساً دودمانی و جهانی بود، با این حال به تدریج معطوف به حیات ساکنان یونانی زبان امپراتوری گردید که ایالت‌های شرقی و غربی خود را در قرن نهم از دست داده بود، به جای زبان لاتین زبان یونانی را به عنوان زبان رسمی پذیرفته بود و در پی احیای یونان قدیمی بود. چندی بعد، به ویژه در سال ۱۲۰۴ میلادی، جمعیت دفاعی یونانی بیزانس نسبت به شأن برگزیدگی و رسالت شاهانه خود مؤمن تر شد. گویا سرنوشت جهان بسته به انجام رسوم عبادی-نیاشی تنها آیین مسیحی حقیقی در این تنها امپراتوری اصیل مسیحی بود.

اسطوره‌هایی از این گونه را می‌توان در سرزمین‌های غربی‌تر نیز یافت؛ به عنوان مثال، این اسطوره‌ها در پادشاهی فرانکین در قرن هشتم- که پاپ فعلی آن را به «پادشاهی جدید داود» تشبیه کرد- رشد یافته و جایگاهی مشابه اسطوره‌های بنی اسرائیل را به دست آوردند. چندی بعد در پایان قرن سیزدهم پاپ بونیفوس زبان مشابهی را به کار برد و اظهار داشت که «پادشاهی فرانسه، قلمروی ملت خاصی است که توسط خداوند برای انجام فرامین آسمانی برگزیده شده است»- منزلت و رسالتی که ژاندارک^{۲۲} و بسیاری از رهبران فرانسه بعد از او، در راه حفظ و جامعه عمل پوشاندن به آن جنگیدند.^(۲۰)

بالاخره هنگامی که آن امپراتوری در سال ۱۴۵۳ میلادی از بین رفت، همان رؤیا در سرزمینی شمالی تر دوباره رشد یافت و موجب تقویت بلندپروازی‌های روبه‌رشد شاهانه دولت مسکویی روسیه شد. بنا به ادعای روحانیون ارتدکس روسی در قرن شانزدهم، سرزمین تزارهای روسیه، تنها پناه و مأمن مسیحیت ارتدکسی در جهان بدعت‌گذار، روم سوم بود. در سخنان یکی از رهبران روحانی آنها، ژوزف از صومعه ولکلا مسکی آمده است که «اکنون سرزمین روسیه در دینداری و پرهیزگاری از همه جاییشی گرفته است». از دوران ایوان مخوف به بعد، تزار به مرتبه «ناجی» و «پدری برای مردمان برگزیده خود در مام مقدس روسیه» تعالی یافت. روس‌های طرفدار اسلاو^{۲۱} در پی القای اجتماع دهقانی روسیه به عنوان گنجینه

اعتقادات مشابهی را می‌توان در اسکاتلند فعلی، در زبان بیانیه آربروث^{۲۳}، در احساس روبه‌رشد (نیاز به تشکیل) کنفدراسیون سوئیس از سال ۱۲۹۱ به بعد، در میان ایرلندی‌ها و ولزی‌های شکست خورده، در هویست بوهمیا،

21. Slavophiles

۲۲. Loan of Arc قدیس، دختر دهقان فرانسوی که با اعتقاد به این که صداهای آسمانی او را به عمل فراخوانده است، ارتش فرانسه را در جنگ‌های هزار ساله رهبری کرد. او در سال ۱۹۲۰ قدیس خوانده شد.م.

23. The Declaration of Arbroath

شوند. آیا برای آن که شایسته نام نیاکانی شویم که خود را در کوه‌های مقدس و در کنار ساحل رودخانه‌های مقدس قربانی کرده‌اند، نباید به شرافت‌های گذشته و شیوه‌های رها شده بازگردیم؟ آیا مردم سوئیس که به ذکر خاطره قهرمانی و دلوری‌های سمپاچ و مورگارتن می‌پردازند، پاکی درخشان یونگ‌فران را ستایش می‌کنند، و تا امروز به اجرای نمایش ویلیام تل ادامه می‌دهند، اسطوره‌برگزیدگی برابری طلب خود را براساس سرزمین، جامعه و شرایط آزادی و رفاه و پایدارشان، تفسیر نکرده‌اند؟ بالاخره این که اسطوره‌های برگزیدگی قومی می‌توانند موجب تحریک اجتماع به گسترش و جنگ شوند. اعتقاد راسخ به دارا بودن تنها دین حقیقتی و تمدن و اخلاق برتر، الهام بخش و توجه‌کننده بسیاری از جنبش‌های رسالت‌دار و تهاجم‌های امپریالیستی-ارمنی‌هایی که در پی نودینی در کوه‌های کوکس بودند، عرب‌های معتقد به جهاد در راه حق، و ملت‌های غربی تحمیل‌کننده «تمدن» سفیدپوستان بر آسیایی‌ها و افریقایی‌ها- به کسانی بوده است که در گمراهی و غفلت زندگی می‌کنند.^{۲۴، ۲۳}

الگوهای بقای قومیت‌ها

در دوران پیش مدرن، اسطوره‌های برگزیدگی قومی در بیشتر نواحی جهان همانند آمریکا، آسیای جنوبی، خاور دور و افریقا و همچنین

در انگلستان عصر الیزابت، در هلند کالونیست، در سراسر اقیانوس اطلس، در مستعمرات آمریکا و مکزیک کاتولیک یافت.^(۳)

در همه این موارد، اسطوره‌های برگزیدگی قومی به بسیج اجتماعات کمک و بقای آنها را در دوره‌های طولانی تضمین کرده است. از آنجا که اسطوره قومی داستانی دراماتیک است که موجب پیوند زمان حال با یک گذشته همگانی می‌شود، و از سوی دیگر موضوعی است که همگان به آن اعتقاد و باور دارند، می‌تواند موجب پیوند اعضا به عنوان یک اجتماع متمایز شود و ویژگی خاصی- «برگزیده بودن»- را به آنها اعطا کند.

اسطوره قومی به واسطه نمادگرایی نهفته در آن می‌کوشد تا مناطق و طبقات مختلف را با یکدیگر متحد نموده، فرهنگ قومی را به بیرون از مراکز شهری و قشرهای خاص که حافظ سنت‌ها می‌باشند، اشاعه دهد و از این رهگذر موجب خلق جامعه‌ای بیشتر مشارکتی شود.

اسطوره برگزیدگی قومی ممکن است همچنین موجب تقویت پیوند اجتماع قومی با سرزمین تاریخی خود شود. اسطوره قومی با «خدایی دانستن» سرزمین آبا و اجدادی، موجب پیوند قوم برگزیده با سرزمین خاص خود می‌شود. تنها سرزمین‌های مقدس و خاک‌های تطهیر شده شایسته برگزیدگی هستند و اجتماعات قومی تنها می‌توانند در سرزمینی که پدران و مادران آنها زیسته‌اند، قهرمانان آنها جنگیده‌اند و قدیسان آنها به عبادت پرداخته‌اند، رستگار

اروپا و خاورمیانه گسترده شد. با این وجود، اعتقاد به برگزیدگی قومی به شیوه‌های متفاوتی عمل نموده است. در اینجا به اختصار چهار الگوی بقا و استمرار حیات قومی و چهار شیوه‌ای را که اسطوره‌های برگزیدگی قومی به بقای اجتماعات قومی کمک می‌کنند، متمایز خواهیم نمود.

۱- من اولین الگور سلطنتی - دودمانی می‌نامم. در این الگو، اسطوره برگزیدگی به خاندان و دودمان حاکم وابسته است که اجتماع قومی میل دارد نمادهای عمده و فرهنگ خود را از آنان بگیرد و همواره به آنها همبسته باشد. از این رو، اسطوره‌های نورمن درنماندی به وسیله روحانیون و وقایع نگاران پیرامون دلاوری‌ها و قهرمانی‌های دوک‌های حاکم از زمان رولو در سال ۹۱۳ بعد از میلاد به بعد شرح و بسط یافتند. وقایع نگاران چنین می‌پنداشتند که ملت نورمن در شکوه و منزلت خاص خاندان حاکم، به عنوان دودمانی دارای شعائر و تبار مشترک سهیم می‌باشند.

پیوستگی میان دودمان، سرزمین و ملت در سلطنت‌های غربی بعدی فرانسه، انگلستان و اسپانیا در مقیاس‌های وسیع‌تری تکرار شد. در هر سه پادشاهی، اسطوره‌های برگزیدگی

برخاندان حاکم و مراسم تاجگذاری و تدهین متمرکز بود که زیربنای منزلت شبه الهی حاکم را شکل می‌دادند. همان گونه که ستایش جون اوگونت^{۲۵} از انگلستان - «این عدن دیگر، سرزمین نیمه بهشتی» یادآور می‌شود، پادشاهی و ملتش

در گذر قرن‌ها و در پیوند با یکدیگر در منزلت و شأن برگزیدگی سهیم می‌شدند و این ارتباط ادامه می‌یافت تا آنجا که مردم خود به عنوان شهروندان یک ملت مدرن برگزیده می‌شدند.^(۲۳) لهستان این فرایند گذر را به خوبی نشان می‌دهد. در دوره‌های قرون وسطی و رنسانس، اسطوره لهستانی برگزیدگی قومی به سلطنت و حاکمان کاتولیکش بستگی داشت. با زوال سلطنت و انحلال حکومت در اواخر قرن هجده، به تدریج مردم به عنوان مرکز رستگاری جمعی مورد توجه واقع شدند. برخی از روشنفکران قرن نوزده لهستان، به ویژه شاعر بزرگ آدام میکویوکز، نقش لهستان در بین ملت‌ها را به عنوان «مسیح رنج کشیده» که به زودی دوباره ظهور خواهد کرد، توصیف نمودند، در حالی که کلیسای کاتولیک لهستان کاملاً در ارتباط با مردم باقی مانده و توانست به عنوان یک پناه و منبع حیات قومی در قرن جدید مطرح شود. از این رو لهستان به سرنوشت قومیت‌های اشراف سالار که شکست سلطنت و نابودی حکومت آنها، اضمحلال خود اجتماع را در برداشت، دچار نشد، این امر در برگندی یا آشور باستان به وقوع پیوست. در عوض، لهستان بعد از سال ۱۹۱۸ به یک ملت - شهر تغییر یافت.^(۲۴)

۲- الگوی دوم بقای قومی، جماعتی - همگانی نامیده می‌شود که اسطوره برگزیدگی را به طور

۲۵. Joan of Gaunt (۱۳۴۰-۹۹) سیاستمدار انگلیس، فرزند ادوارد دوم که پس از وی به حکومت رسید. هنری چهارم فرزند وی است. م.

مستقیم به مردم در سرزمین مقدسشان پیوند می‌دهد. در این موارد اجتماع غالباً پیروز شده است و می‌کوشد که حقوق و شیوه زندگی پیشین خود را حفظ کند و ادعا دارد که اعضای آن ساکنان اصلی آن سرزمین می‌باشند و فرهنگ آنها بومی است. این ادعای جوامع سلتی در ولز و ایرلند بود. اسطوره ولزی برگزیدگی قومی، اجتماع ولز را همچون بائل گمشده بنی اسرائیل تصویر می‌کند، مردمان برگزیده امروزی که شکل نخستین مسیحیت آنها توسط ژوزف از آرامات^{۲۶} به بریتانیای باستان پیوند خورده است.

۳- الگوی سوم بقای قومی، الگوی مهاجرتی- مستعمره نشینی است. در این الگو نیز اسطوره برگزیدگی به مردم وابسته است، اما این بار به مردمی در حال حرکت. آنها وطن قدیمی خود را ترک کرده و یا از آن اخراج شده‌اند و میل دارند که در سرزمین‌های جدید، اجتماعات جدیدی را به وجود آورند که غالباً بابتی اعتنایی به ساکنان اصلی آن سرزمین نیز همراه است. مهاجران و تبار آنها برگزیده هستند. سکونت در یک جامعه مهاجر و ادای رسالت، سرنوشت آنهاست. آنها ارزش‌ها، خاطرات و سنت‌های خود را حفظ و به همراه داشته و چنین می‌پندارند که توسط خداوند و به منظور تحقق بخشیدن به تقدیر الهی که نظم قدیم را از میان می‌برد و جامعه‌ای جدید را بنیان می‌نهد، برگزیده شده‌اند.

در اسطوره‌های برگزیدگی قومی ایرلند، آمیزه مشابه‌ای از درون مایه‌های بی‌دینی و مسیحیت یافت می‌شود. «عصر طلایی» ایرلند را می‌توان به اشکال گوناگون در دوره‌های متفاوت تاریخ این سرزمین جست و جو کرد: در دوره بی‌دینی سلتی‌ها کلینینگ‌های تارا، و قهرمانان مجموعه آلستر در افسانه‌های قرون وسطایی یا در دوران بزرگ فعالیت‌های تبلیغی، هنر و آموزش پارسایانه پس از نودینی ایرلند به وسیله پاتریک مقدس در قرن پنجم.

دوران بعدی به ویژه از رهگذر فعالیت و آثار ادبا، باستان‌شناسان و شاعران قرن هجدهم و نوزدهم که در پی تصویر کردن بازگشت ملی

26. Joseph of Aramathea

قرن‌ها بعد نیز سفر خروج دیگری انجام شد، این بار پیوریتن‌های انگلیسی مورد ظلم و ستم مذهبی از اقیانوس گذر کرده و به سرزمین آمریکا رفتند. این سفر خروج، بخشی از منشور اصلی سرزمین جدید آمریکا شد- همراه با وعده آزادی در یک اورشیلیم جدید. (۲۶)

۴- آخرین الگو، پراکندگی - بازگشت است که در آن، اسطوره برگزیدگی به یک جامعه در حال حرکت وابسته است. البته جامعه‌ای که حرکت آنها جهت عکس دارد، یعنی به سرزمین کهن‌شان باز می‌گردند. بازگشت اجتماع به سرزمین باستانی تبعید شده از آن، پیش شرط رستگاری دسته جمعی است. صهیونیسم نمونه کلاسیک چنین الگویی است که بیانگر تحقق دنیوی آرزوهای مذهبی یهودی نیز می‌باشد. با این حال همین الگورامی‌توان در بین ارمنی‌های خواهان بازگشت به کوه‌های آرارات، آوارگان یونانی قرن هجدهم مشتاق به بازگشت به هلاس، لیبریایی‌ها و دیگر سیاهان آمریکایی آرزومند بازگشت به افریقا و بعد از آن در بین اجتماعات تبعید شده به نواحی دور دست روسیه توسط استالین بازیافت.

همچنان که متفکر یونانی، آدامنتیوس کورایس^{۲۷} به روشنی و وضوح تشخیص داد، بازگشت یک قوم آواره به وطن و سرزمین باستانی‌اش، نه فقط در بردارنده بازگشت فیزیکی افراد، بلکه همچنین مستلزم بازسازی روحی آنها از طریق بسیج سیاسی و آموزشی است. (۲۷)

چنین ادعا نمی‌شود که الگوهای چهارگانه بقا و احیای قومی مطرح شده در اینجا جامع و فراگیر می‌باشند. به هر حال آنها اهمیت باورهای برگزیدگی برای بقای قومی، همچنین شیوه‌های گوناگون عمل نمودن این باورها را نشان می‌دهند. تحریک اجتماعات قومی به گسترش، شورش جمعی، مهاجرت توده‌ای و جنبش‌های بازگشتی، بیانگر شیوه‌های متفاوت عمل نمودن این باورهاست. همچنین آنها اجتماع را با احتمالات متفاوتی مواجه می‌سازند:

سخت و انعطاف‌ناپذیر نمودن اجتماع از طریق وابستگی بیش از حد به حکومت، بی‌ثباتی‌های کلی و افراط‌گرایی، اتلاف انرژی عمومی به واسطه دو دستگی یا همگون‌سازی. این خطرات برای رهبران قومی آشنا هستند. در هر نسل، کشیشان، نویسندگان، شاعران و اشخاص با نفوذ مردم را از این خطرات آگاه کرده و با تجویز درمان‌هایی برای بیماری‌های اجتماعی، فعالانه حس هویت و سرنوشت قومی را به وجود می‌آورند.

همچنین، هر کدام از این الگوها، عوامل کلیدی خاص در بقای قومی را نشان می‌دهند. جنگ و خلیقات یک جنگجو، معمولاً در الگوی دودمانی- سلطنتی مشهود می‌باشد. برگزیدگان قومی، جنگجویان در شکار تحت لوای شاهزاده‌های ناجی و خلفای مؤمن هستند و برگزیدگی قومی بر پایه نیزه‌ها و سپرهای

ثبت شده انسانی، احساس هویت قومی به عنوان منبع همبستگی اجتماعی و سیاسی از رواج زیادی برخوردار بوده است. ممکن است که اجتماعات قومی خاص در طول تاریخ شکل گرفته و یا از بین رفته باشند، اما در دوره پیش مدرن، در همه قاره‌ها، قومیت یک مشخصه همیشگی فرهنگ و سازمان اجتماعی بوده است. اکنون سؤال اینجاست که اجتماعات قومی چگونه با دنیای مدرن برخورد نموده‌اند و اسطوره‌های برگزیدگی قومی امروزه چه نقشی بازی می‌کنند؟

بسیار گمراه کننده است این گونه بیندیشیم که در دوران عقلانیت سکولار و ماتریالیسم، چنین اسطوره‌هایی مانند خود قومیت از رده خارج و نامربوط باشند. چنین دیدگاهی گمراه کننده و کاملاً کوتاه نظرانه می‌باشد. نه تنها سنت‌های مذهبی در زندگی بسیاری از مردم جهان امروز نقش مهمی بازی می‌کنند، بلکه وابستگی‌های قومی، امروزه همانند دوره‌های ماقبل، قوی و قدرتمند بوده و رایج تر و شدیدتر شده‌اند.

اما اسطوره‌های اولیه برگزیدگی قومی چطور؟ آیا امروزه آنها ابزارهای فوق‌العاده بسیج عمومی نیستند؟ ابزارهای سیاسی خودپسندانه‌ای که ناصر یا نکرومه، گاندی یا دگاوله، با استفاده از آنها به دستکاری هیجانانگیز توده برای تحقق بخشیدن به اهداف سیاسی تعصب‌آمیز خود می‌پردازند؟ مشکل اینجاست. تصادفی نیست که نام این چهره‌های

شوالیه‌های مذهبی مانند شوالیه‌های مجارستانی شکل می‌گیرد. هم چنان که در جنگ‌های بنی اسرائیل‌های کهن علیه فلسطینی‌ها، خاطرات پیروزی و شکست جزئی از تاریخ مقدس مردم برگزیده و سرنوشت جنگجویی - الهی آنان شد. (۲۸)

شورش‌های مردمی، قلب الگوی جماعتی - همگانی را تشکیل می‌دهد. در این الگو، برای مردم، تقدیر ساده از نوع پذیرش منفعلانه رقم نخورده است، بلکه بیشتر، آرمان‌های مردم پاک در دفاع از میراث خود بسیج می‌شود. بسیج محلی ترجیح بند بقا در بین ایرلندی‌ها، باسک‌ها، چک‌ها، گرجی‌ها، سیک‌ها و بسیاری از اجتماعات دیگری است که برای دستیابی به آسایش و آرامش، زبان مادری، سنت‌ها، نمادها و خاطرات خود را مورد استفاده قرار می‌دهند. آوارگی، درونمایه اصلی الگوهای مهاجرت و پراکندگی است. در الگوی نخست، مهاجرت به سرزمین موعده همراه با تقدیر الهی که بندگان و ساکنان اصلی را مورد بی‌مهری قرار می‌دهد، عامل اصلی بقای قومی می‌باشد. در الگوی پراکندگی، تبعید طولانی مدت موجب برانگیختگی احساس غربت شدید و گونه‌ای میل پرشور به بازیافتن سرزمین اصلی خاص اجتماع برگزیده می‌شود. (۲۹)

از بقا قومی تا رهایی بخشی ملی

حتی یک ارزیابی مختصر نظیر آن چه که در اینجا انجام شد، نشان می‌دهد که در طول تاریخ

کارزماتیک در کشورهايشان، تصورات ناسیونالیسم را به ذهن می آورد. می توانیم در زبان و نمادگرایی ناسیونالیسم مدرن، معادل های امروزی عقاید کهن برگزیدگی قومی را جست و جو کنیم.

شاید بتوان ناسیونالیسم را این گونه تعریف کرد: نظریه استقلال، یکپارچگی و هویت یک گروه که اعضای آن به این که یک ملت واقعی یا بالقوه است، ایمان دارند. ناسیونالیسم به واسطه نمادها و شعائرش، به فرهنگ های یگانه و منحصر به فرد و تجارب متنوع هر اجتماعی قومی مشروعیت بخشیده و آنها را به ابزارهایی برای حیات سیاسی تبدیل می کند. در نظر یک ناسیونالیست، ملت عبارت است از اجتماعی از شهروندان که به واسطه خاطرات و فرهنگ مشترک در پیوند با یکدیگر بوده و در عین دارا بودن اقتصاد یکپارچه و حقوق و تکالیف یکسان در یک سرزمین متراکم سکنی گزیده اند. در اسطوره شناسی ملی گرا، هر ملت دارای یک گذشته متمایز و سرنوشت خاص متناسب با «ماهیت حقیقی» آن است. وظیفه مقدس یک وطن پرست عبارت است از کشف و بازیافتن گذشته اصیل ملت و پس گرفتن سرزمین آن. این تنهاراه بازیابی آزادی درونی «ما» و شناخت بندگان حقیقی ماست.

اسطوره های برگزیدگی قومی، نه تنها زیربنای فرهنگ ها و حیات مردم را تشکیل می دهند، بلکه همچنین فراهم آورنده منشور و سند مالکیت سرزمین های مقدس می باشند. بنابراین اگر برای سرزمین خاص، بیش از یک سند مالکیت وجود داشته باشد، احتمال منازعات قومی و جنگ های ملی گرایانه به میزان زیادی افزایش می یابد. هر چه میزان پیوستگی و پیوند میان مردمی خاص با یک سرزمین تاریخی بیشتر باشد، ملی گرایی اجتماعات در حال جنگ انحصاری تر می شود، خواه در بالکان باشد یا خاورمیانه، خواه در هند یا کوه های کوکس در قفقاز.

تأثیر دوسویه روسو و هر در یعنی بازگشت به طبیعت آزاد و کشف گذشته اصیل، در اینجا مشهود است. بنابراین استمرار و پیوند با اسطوره های پیش مدرن برگزیدگی قومی بسیار

نارضایتی های اقتصادی و دخالت های حکومت ها ممکن است موجب وخیم تر شدن چنین تعارضاتی شود، اما ریشه های منازعه را



باید در الگوی بنیادی بقای قومی طولانی مدت در یک منطقه خاص و در اسطوره‌های برگزیدگی ماندگار آن جستجو نمود. اگر همه آنها برگزیده باشند، سازگاری چه شانسی پیدا می‌کند و صلح چه ارزشی دارد؟ حتی یک نگاه اجمالی به جهان مدرن نشان دهنده قدرت مستمر باورهای قومی است. حکومت‌های ملی شاهانه به وسیله ناسیونالیسم مدرن و به معنای برتری شکست ناپذیر آنها دوباره احیا و تقویت شدند و ما خیلی زود با منظره زشت امپریالیسم‌های ملی مدعی متمدن کردن «جوامع ابتدایی» مواجه شدیم.

برای بسیاری از قومیت‌های مشهور وابسته، ملی‌گرایی گونه‌ای نوشداروی سیاسی را فراهم آورد. از بریتون‌ها^{۲۸} و فین‌ها^{۲۹} گرفته تا کردها و سومالی‌های، ملی‌گرایی در پی احیا و تقویت اسطوره‌ها، سیاسی کردن فرهنگ‌های بومی، بسیج مردم و تبدیل آنها به کنشگران سیاسی است. حتی در جوامع مهاجر و پراکنده، ملی‌گرایی موجب تقویت اسطوره‌های برگزیدگی شده و معنایی سیاسی به آنها بخشیده است.

فرجام

بنابراین، اگر چه ناسیونالیسم یک ایدئولوژی مدرن و اساساً سکولار است، ولی حیات تازه‌ای به اسطوره‌های باستان و اعتقادات کهن بخشیده است. ناسیونالیسم موجب تقویت

در اسپانیا یا سریلانکا، شاخ آفریقایا کوه‌های کوکس، در کشورهای حوزه بالتیک (لتونی، لیتوانی و استونی) یا کردستان، اشکال و شدت چنین منازعات به میزان بسیار ناشی از تاریخ روابط قومی در هر منطقه و الگوهای بنیادین بقای قومی و اعتقاداتی است که کوشیده‌ام آنها را دنبال کنم.

به منظور درک اشکال و شدت چنین منازعاتی، نیازمند شناخت و فهم هر اجتماع قومی - تاریخی، خاطرات مشترک و عقاید اعضای قومیت‌های خاص و فعالیت‌های فرهنگی روشنفکران آنها هستیم. بیش از همه نیازمند بررسی تأثیر مستمر اسطوره‌ها، نمادها و سنت‌های قومی بر خودآگاهی جمعی و شیوه‌ای که آنها به تنظیم گرایش‌ها و رفتارهای

28. Bretons 29. Finns
30. Cold Oppression

اجتماع نسبت به مهاجران، اقلیت‌ها و بیگانگان- حتی در بسیاری از جوامع به ظاهر عقل‌گرا و واقع‌گرا- می‌پردازند، هستیم.

پانوشت‌ها

۱- جهت‌آشنایی با کوشش انجام شده در زمینه قراردادن چندین نمونه از این جنبش‌ها در یک چارچوب مرجع معنایی و کنشی در جهان غرب بنگرید به:

A. Melucci, Nomads of the Present: Social Movements and Individual Needs in Contemporary Society, (London: Hutchinson Radius, 1989).

۲- جهت‌آشنایی با یک تحلیل تازه از ادبیات وسیع موجود در زمینه فرصت‌های بقای قومی قومیت‌های سفید پوست مهاجر در ایالات متحده بنگرید به:

H. GANS, "Symbolic Ethnicity", Ethnic and Racial Studies, Vol. 2, No. 1, 1979. pp. 1-20.

۳- جهت‌آشنایی با اهمیت اسطوره‌های نیایی بنگرید به:

R. Schermerhorn, Comparative Ethnic Relations, (New York: Random House, 1970).

جهت‌آشنایی با مشکلات تعیین حد و مرز میان قومیت‌ها با دیگر هویت‌های جمعی از قبیل مذهب و طبقه بنگرید به:

J. Armstrong, Nations before Nationalism, (Chapel Hill, NC: University of California Press, 1982).

که نسبت به کارهای خلاقانه و بدیع وی در این عرصه بسیار مدیون می‌باشم.

۴- جهت‌آشنایی با بحثی کاملتر در مورد مؤلفه‌ها و ویژگی‌های «قومیت‌ها» بنگرید به:

A.D. Smith, The Ethnic Origins of Nations, (Oxford: Blackwell, 1986).

۳۱. Minerva در اسطوره‌شناسی رومن‌ها الهه صنایع دستی که اغلب در پیوند با آتن است و از این رو به عنوان الهه جنگ نیز شناخته می‌شود. م.

مطالعه بقای قومی و اعتقادات مربوط به آن از حوزه‌های وسیع و نسبتاً تازه تحقیق است. در اینجا من تنها به گوشه‌ای از این حوزه وسیع پرداختم و به اختصار فقط یکی از شرایط ضروری بقای قومی را بررسی کردم. تحقیق در این حوزه، اگر در صدد فهم و شاید بهبود بسیاری از مسائل سیاسی- اجتماعی مربوط به آن باشیم، اساسی است. تصور این مطلب که می‌توانیم با ابزارهای موقت سیاسی و اقتصادی به چنین مسائل ریشه‌داری بپردازیم، به معنای پذیرش خطرات ناشی از نادیده انگاشتن تأثیرات مستمر عقاید و ساختارهای قومی کهن است که ناسیونالیسم مدرن به احیا و تقویت آنها پرداخته و نیروهای جهانی معاصر عملاً در حال بسط دهی و بازبایی آنها هستند.

از آنجایی که ریشه‌های ملت‌های مدرن و ناسیونالیسم در دل تاریخ مردمان برگزیده نهفته است، متوسل شدن به الهه مینرو^{۳۱}، حتی در غرب، کاری عجولانه و ناهنگام است. زمانی که اندیشه اتحادیه اروپا به تصور فروکش کردن قریب‌الوقوع ناسیونالیسم مطرح شد، ما باید قصه سامسون^{۳۲} را- که قدرت او به هنگام کوتاه کردن موهایش کاهش می‌یافت، فقط به خاطر این که با رشد مجدد موهایش به نیروی

Hosea 11: 13-14. See on this zeitlin (1984, chs. 7-8).

۱۲- بنگرید به مطالعه کلاسیک در باب هزاره گرای بیهود:

J. Klausner, **The Messianic Idea in Israel**, (London: Allen and Unwin, 1956).

رجوع کنید به ار. جی. وریلووسکی: «هزاره گرای در تاریخ یهود» در:

H. Ben- Sasson, and S. ETTINGER, (eds.), **Jewish Society Through the Ages**, (London: Valen tine, Mitchell & Co, 1971).

J.H. Yerushalmi, **Jewish History and Jewish Memory**, (Seattle, Wa, and London: University of Washington Press 1983).

۱۳- دنتان ۱۹۸۳؛ ۸۶، ۸۹-۹۴

۱۴- فرای ۱۹۶۶؛ ۶۱-۶۳؛ تاریخ کمبریج ایران ۱۹۸۳، ۱۱۷۱، فصل ۳B.

۱۵- آوری ۱۹۶۵؛ کدی ۱۹۸۱؛ فصول ۱ تا ۳.

۱۶- جهت آشنایی با تاریخ اولیه ارمنی های مسیحی بنگرید به:

D.M. Lang, **Armenia, Cradle of Civilisation**, (London: Allen and Unwin, 1980).

در مورد پیوند با یهود بنگرید به:

J. Armstrong, **Ibid**.

در مورد تکامل مسیحیت ارمنی بنگرید به:

A.S. Atiya, **A History of Eastern christianity: Me Thuen**.

۱۷- در مورد سنت سلیمانی در «شکوه شاهان» حماسه ملی اتیوپیاییها بنگرید به:

Edward, **The Queen of Shebal**, in James B. pritchard Ethiopian Tradition, in James B. pritchard (ed.), (London: Phaidon Press limited, 1974).

۱۸- در باب جنبه های عربی اسلام، بنگرید به:

J. Carmichael, **The Shaping of the Arabs**, (New York: Macmillan, 1967).

و همچنین بنگرید به:

B. Lewls, **The Emergence of Modern Turkey**, (London: Oxford University

در مورد اصطلاح «قومیت» بنگرید به:

G.L. Heraud, **Europe des Ethnies**, (Paris: Presses d, Europe, 1963).

۵- بارون - ۱۹۵۲؛ فرای ۱۹۷۵؛ براودل ۱۹۸۹.

۶- در مورد عبارت ویر بنگرید به: ویر، ۱۹۷۸، جلد سوم، ص ۹۲۶.

در مورد سوئیس بنگرید به:

J. Steinberg, **Why Switzerland?**, (Cambrid: Combridge university Press, 1976).

جهت آشنایی با مطالبی در مورد اسطوره های «دوران طلایی» بنگرید به:

A.D.A. Smith, "National identity and myths of ethnic descent", in **Research in Social Movements, Conflict and Change**, Vol. 7, PP. 95- 130, 1984.

۷- این نکته، موضوع اصلی کتاب کشیشان در کتاب پنجم عهد عتیق به ویژه فصل سی ام می باشد. بنگرید به:

R.M. Seltzer, **Jewish People, Jewish Thought**, (New York: Macmillan, 1980).

۸- در مورد تبلیغات سلطنتی بنگرید به:

J. Van Seters, "In search of history: Historiography" in **The Ancient World and the Origins of Biblical History**, (New Haven, CT, and London: Yale university Press, 1983).

۹- در مورد خروج هایکسوس از سرزمین مصر در سال ۱۵۸۰ قبل از میلاد بنگرید به:

B.G. Trigger, et al., **Ancient Egypt, a Social History**, (Cambridge: Cambridge university Press, 1983).

جهت مقایسه با مفاهیم بین النهرینی سلطنت الهی بنگرید به:

H. Frankfort, **Kingship and the Gods**, (chicago, IL: university of chicago Press, 1948).

10- Amos 3:2; universalistic, out look at Amos 9:7.

11- **Isaiah** 41:8- 10; 43: 1-2; 49:14-18;

Jeremiah 2: 1-3; 4: 1-4; and 31 **passim**;

بنگرید به:

A.A.M. Duncan, **The Nation of Scots and the Declaration of Arbroath (1320)**, (London: The Historical Association, 1970).

در مورد اعتقادات سوئیسی بنگرید به:

H. Kohn, **Nationalism and Liberty: The Swiss Example**, (New York: Macmillan, 1957).

جهت آشنایی با بحث‌های کلی‌تر بنگرید به:

A.D. Smith, "National Identity and Myths of thnic escent", in **Research in Social Movements, Conflict and Change**, vol. 7, 1984. PP. 95-130.

۲۲- جهت آشنایی با مثال روشنی در باب امپریالیسم فرهنگی غرب، به ویژه حضور فرانسه در آفریقای غربی بنگرید به:

W.H. Lewis, (ed.), **French- Speaking Africa: The Search for Identity**, (New York: Walker, 1965).

در مورد امپریالیسم فرهنگی در چین بنگرید به:

F. DikÖtter, "Group definition and the idea of Race in modern China (1793 - 1949)", **Ethnic and Racial Studies**, Vol. 13, No. PP. 430- 32,(1990).

۲۳- جهت آشنایی با اسطوره‌های برگزیدگی دودمانی فرانسه بنگرید به:

E.H. Kantorowicz, "Pro Patria mori in medieval political thought", **American Historical Review**, Vol. 56, 1951. PP. 472-92.

و همچنین بنگرید به:

J. Armstrong, **Ibid.**, pp.152-9.

جهت آشنایی با اسطوره‌های برگزیدگی انگلیسی- بریتانیایی بنگرید به:

H. Kohn, "The Origins of English Nationalism", **Journal of the History of Ideas**, Vol.1, 1940. PP. 69- 64.

H.A. Macdougall, **Racial Myth in English History: Trojans, Teutons and Anglo-**

Press, 1970).

در مورد دوران مدرن بنگرید به:

H. Sharabi, **The Arab Intellectuals and the West: The Formative Years, 1914 - 1975**, (Baltimore and London: Johns Hopkins University Press, 1970).

در مورد هویت‌های اسلامی قرون وسطایی بنگرید به:

Armstrong, J, **Ibid.**

۱۹- جهت آشنایی با مطالبی در مورد اعتقادات روسی قرون وسطایی بنگرید به نوشتار چرنویسکی تحت عنوان «روسیه» در:

M.O. Ranu (ed.) **National Consciousness, History and Political Culture in Early Modern Europe**, (Baltimore and London: Johns Hopkins University Press, 1975).

و همچنین بنگرید به:

R. Piper, **Russia Under the Old Regime**, (London: Peregrine Books, 1977).

در مورد آرمان‌های قرن نوزدهم اسلاوها بنگرید به:

E. Thaden, **Conservative Nationalism in Nineteenth Century Russia**, (Seattle, Wa: University of Washington Press, 1964).

در مورد احساسات نئوروسی اخیر در میان ارتدوکس‌ها و ناسیونالیست‌ها بنگرید به:

P. Ramet, (ed.), **Religion and Nationalism in Soviet and East European Politics**, (Durham and London: Duke University Press, 1989), pp. 81-108.

۲۰- بنگرید به:

J. Armstrong, **Ibid.**, pp. 152-9.

و همچنین بنگرید به:

M. Bloch, **Feudal Society**, Vol.2., (London: Routledge and kegan paul, 1961), pp. 431-7.

جهت آشنایی با تحلیل انتقادی تازه در مورد اسطوره‌های برگزیدگی فرانسه در جمهوری سوم و متون تاریخی بعدی بنگرید به:

S. Citron, **Le Nythe National**, (Paris: Presses Ourviers, 1988).

۲۱- جهت آشنایی با متن و زمینه پیدایش اعلامیه آربروت

1963).

C. Walker, **Armenia, the Survival of a Nation**, (London: Routledge, 1980).

در مورد جنبش های «بازگشت به آفریقا» در میان سیاهیان آمریکایی بنگرید به:

T. Draper, **The Rediscovery of Black Nationalism**, (London: Secker and Warburg, 1970).

۲۸- جهت آشنایی با اسطوره های سلحشوری مسلمانان و مسیحیان بنگرید به فصل سوم:

J. Armstrong, **Ibid.**

در مورد اعتقادات بنی اسرائیلیان به:

M. Weinfeld, 'Divine intervention in war in ancient Israel and in the ancient Near East', in Tadmor, H. and Weinfeld, M. (eds.), **History, Historiography and Interpretation**, (Jerusalem: Magnes Press, Hebrew University, 1986).

۲۹- در مورد ناسیونالیسم شکل گرفته در میان اقوام مهاجر بنگرید به فصل پنجم:

H. Seton- Watson, **Nations and States**, (London: Methuen, 1977).

و مقایسه کنید جنبش های اعتراض آمیز هم زمان بومیان استرالیا و بومیان امریکا.

۳۰- در مورد تأثیر روسو بنگرید به:

A. Cohler, **Rousseau and Nationalism**, (New York: Basic Books, 1976).

و در مورد تأثیر هردر بنگرید به:

I. Berlin, **Nico and Herder**, (London: Hogarth Press, 1976).

در مورد اسطوره های یونانی مدرن بنگرید به:

P. Kitromilides, "The dialectic of intolerance: ideological dimensions of ethnic conflict", **Journal of the Hellenic Diaspora**, Vol. 6, No. 4, 1979, pp. 5-30.

C. Carras, **3,000 Years of Greek Identity- Myth or Reality?**, (Athens: Domus Books, 1983).

Saxons, (Montreal: Harvest House and Hanover, New Hampshire: University Press of New England, 1982).

R.A. Mason, "Scotching the early history of Britain", **History Today**, Vol. 35, January, 1985. PP, 26-31.

۲۴- هیلکسی ۱۹۵۵؛ دیویس ۱۹۸۲.

۲۵- جهت آشنایی با اسطوره های برگزیدگی ولزی بنگرید به:

G. Williams, **When Was Wales?**, (Harmondsworth: Penguin, 1985).

و همچنین بنگرید به:

P. Morgan: "From a death to a view: the hunt for the welsh past in the romantic period", in Hobsbawm E. and Ranger, T. (eds.) **The Invention of Tradition**, (Cambridge: Cambridge University Press, 1983).

۲۶- در مورد تقدیر گرایی پیوریتن های آمریکایی بنگرید به:

E.L. Tuveson, **Redeemer Nation: the Idea of America's Millenial Role**, (Chicago and London: Chicago University Press, 1968).

C.C., O' Brien, **God- Land: Reflections o Religion and Nationalism**, (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1988)

۲۷- جهت آشنایی با تحلیل کورایس در مورد الگوهای برگزیدگی قومی به ویژه الگوی پراکندگی - بازگشت بنگرید به:

E. Kedourie, (ed.), **Nationalism in Asia and Africa**, (London: Weidenfeld Nicolson, 1971).

در مورد پیدایش صهیونیسم بنگرید به:

D. Uital, **The Origins of Zionism**, (Oxford: Clarendon Press, 1975).

در مورد ناسیونالیسم پراکندگی ارمنی ها بنگرید به:

L. Nalbandian, **The Armenian Revolutionary Movement: The Development of Armenian Political Parties Through the Nineteenth Century**, (Berkeley: University of California Press,

۲۰۴